



فریبا مرادی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

اشاره

تدریس، هدایت هدف‌دار و اداره‌ی فرایند یادگیری است که با اجتماع سه عنصر یاددهنده، یاددهی و یادگیرنده، در فضای آموزشی به جریان می‌افتد. مقاله‌ی حاضر در جست‌وجوی یافتن پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان نحوه‌ی استفاده از شیوه‌های تدریس را تغییر داد؛ به طوری که به اجرای مؤثر تدریس دست یافت. توجه به ویژگی‌های دگرگون‌شونده‌ی یاددهنده، یادگیرنده و یاددهی در این جستار نشان می‌دهد که این ویژگی‌ها سبب‌ساز دگرگونی هستند.

تغییر در شیوه‌ی تدریس

تدریس را می‌توان روند شکل‌گیری و آسان‌سازی یادگیری دانست که از سوی یاددهنده، به سمت یادگیرنده جریان می‌یابد و در مشارکت این دو با یکدیگر، به سامان می‌رسد. آشنایی معلم با شیوه‌های تدریس و انواع هدایت و کیفیت کنترل رفتار، سودمندی تدریس را افزایش می‌بخشد. از آن‌جا که نگارنده در این مقاله، دیدگاهی معطوف به تغییرات دارد، شناخت معلم از روش‌های تدریس مؤثر را تنها عامل موفقیت در آموزش نمی‌داند. درک دگرگونی‌های جمعی و آگاهی فردی از نیاز به دگرگونی خود، عوامل مهم‌تری هستند که مورد بحث قرار خواهند

گرفت.

یادگیری و تغییرات منتج از آن، در خلاء به وقوع نمی‌پیوندد. روند تدریس با اجتماع سه عنصر یاددهنده، یاددهی و یادگیرنده، در فضای آموزشی-فرهنگی به جریان می‌افتد. توجه به این سه عنصر، در واقع حذف فضای اتفاق است. یاددهنده، فردی متعلق به تغییرات پیشین و توانمندی‌ها و دگرگونی‌های فعال شده است. یادگیرنده نماینده‌ی تغییرات پسین و توانایی‌ها و دگرگونی‌های بالقوه است و شیوه‌های یاددهی، پل ارتباطی دگرگونی‌ها هستند که با ایجاد تغییرات مجدد شکل می‌گیرند، بایسته است، ویژگی‌های تغییر امروزین عناصر را که از متغیرهای فضای فرهنگی است، به شناخت عناصر افزود، تا به اجرای موفق دست یافت.

دگرگونی‌های یاددهی

در قرن بیست و یکم، هدف اصلی نظام تربیتی، «توانایی یاد گرفتن» در نظر گرفته شده است. الوین تافلر* معتقد

بود، بزرگ‌ترین مهارت در قرن ۲۱، توانایی یاد گرفتن، فراموش کردن و دوباره یاد گرفتن خواهد بود. در واقع، آهنگ تغییر و نیاز به سازگاری با شرایط متغیر به گونه‌ای است که عمل به شیوه‌ی گذشته، توان پاسخ‌دهی به تقاضای امروز را نخواهد داشت. هم‌چنان که دیوید بلانکت می‌گوید: «توانایی یاد گرفتن، اصلی‌ترین مهارت کسب شده‌ی جوانان محسوب می‌شود، حتی پیش از آن‌که آن‌ها وارد دنیای کار و حرفه شوند» [Blunket؛ 2001]. رجحان مهارت یاد گرفتن بر مهارت حرفه‌ی اصلی، نشان از نوعی تغییر تربیتی دارد که آشکارا با تغییرات همه‌جانبه‌ی عصر حاضر هم‌خوان و هماهنگ است.

«به‌طور کلی، استانداردهای علمی-پژوهشی جدید در عرصه‌ی اصلاحات آموزشی، در دو وجه مهم تفاوت دارند: نخست این‌که به جای تمرکز بر گروه‌های نخبه، بر هدف‌های





باشند و ناگزیر از علاقه‌مندان پی‌گیر دانش‌پژوهی باشند.

دانش‌آموزان براینده‌ی ضعیف و قوت‌های اجتماعی، فرهنگی و فردی هستند. این خام‌خیالی بیش نخواهد بود که به دلیل تغییر در سطح دانش جهانی، آن‌ها در حد و اندازه‌های خواستنی ظاهر شوند. مخاطب کامل وجود ندارد. البته ذکر این نکته ضروری است که دانش‌آموز نیز باید استانداردهای تحصیلی را دارا باشد، «اولین نوع استاندارد تحصیلی، استاندارد رفتاری است. استاندارد رفتاری بر مبنای این نظریه تدوین شده است که دانش‌آموزان مطابق با نوعی استاندارد مشخص شده رفتار خواهند کرد و نیز منظور از تحصیل، واداشتن دانش‌آموزان به رفتار کردن با چنین شیوه و استانداردهای است. استانداردهای محتوا، منعکس‌کننده‌ی فلسفه‌ی آموزشی «بازگویی دانش» هستند و بیش از همه رایج‌اند. اما امروزه استانداردهای شناختی مهم‌تر ارزیابی می‌شوند، چرا که منعکس‌کننده‌ی فلسفه‌ی آموزش ساختارگرایی هستند. به این تربیت که دانش‌آموز خودش یا با راهنمایی معلم، دانش را می‌سازد. با انجام این کار قادر است بستر مناسب برای دانش جدید را فراهم آورد و به شیوه‌ی بسیار مطمئن‌تری مالکیت آن دانش را در اختیار گیرد» [قاسمی، ۱۳۸۱].

ظهور هر نوع کمالی، در پرتو تلاش و فعالیت انسانی رخ می‌دهد. اجرای تدریس، نوع مؤثری از کوشش انسانی معلم است. چگونگی اجرا می‌تواند دامنه‌ای از علاقه‌مندی تا بی‌علاقگی، یادگیری در حد تسلط تا درک نکردن، و

علمی، گره‌گشایی خلاق و تحلیل مدبرانه منجر می‌شود» [قاسمی، ۱۳۸۱].

تغییر در ساخت فردیت، از تغییرات ساختاری دنیای مدرن متأثر است و رسیدن به هماهنگی آرمانی زمانی میسر خواهد شد که همه‌ی عوامل و عناصر نظام تربیتی متحول شوند.

دگرگونی‌های یاددهنده-یادگیرنده

در بررسی تغییرات با دگرگونی ویژگی‌های یادگیرنده مواجه می‌شویم، «زیست جهان دانش‌آموز امروزی، بر پایه‌ی تغییرات فناورانه بنا شده است که همه روزه در آن، شاخص‌های دانش در حال تعریف مجدد هستند. هم‌چنان که جهان تغییر کرده است، کودکان نیز در حال تغییرند. در بعضی امور، آن‌ها از نسل قبل آگاه‌ترند و در مقابل، مشکلات بیشتری هم دارند» [simplicio؛ 2000]. نمی‌توان انتظار داشت مخاطبان جدید همگی آمادگی‌های ضروری را برای یادگیری دارا

مبتنی بر سواد و بر شمول عام تأکید می‌کنند. دوم این که نقش با اهمیتی را برای کل جوامع (و نه فقط برای معلمان) قائل‌اند. هرکس در کمک به معلمان به منظور تحقق استانداردها، سهمی ادا می‌کند. هدف از طراحی این استانداردها، زمینه‌سازی برای مجموعه‌ای یکپارچه و یکدست از برایندهای آموزشی است که به ایجاد مهارت‌های تفکر انتقادی، استدلال





جاذبه‌ی رایانه و بازی‌های ویدیویی خود را بازنده تلقی می‌کنند. بنابراین، آموزش دهندگان به توسعه و بهبود دیدگاه‌های خلاق و بدیع برای آموزش نسل جدید فراخوانده می‌شوند. روش‌های صحیح قدیمی کارآمد نیستند، باید به روش‌های نو رو بیاورند و یا شکست را بپذیرند و عقب بمانند.

از همین رو، امروزه آموزش دهندگان را با شیوه‌های دیگری می‌سنجند و با سنجش‌های مدرن، توانمند یا ناتوان می‌یابند. در ارزیابی‌های جدید، از وظایف تازه‌ای سخن به میان می‌آید و روش‌های ارزشیابی سنتی ایستا که با فرایند یاددهی-یادگیری پویا هم‌خوان نیست، کنار گذاشته شده است. استانداردهای هماهنگ و خاصی دنبال می‌شود. به همین منظور، ویس، ۱۹۹۸ پیشنهادهایی را ارائه کرده است:

۱. معلمان در برابر دانش‌آموزان و یادگیری آن‌ها متعهد هستند.
۲. معلمان درباره‌ی موضوعاتی که درس می‌دهند و چگونگی تدریس آن‌ها، دانش کامل دارند.
۳. معلمان در امر کنترل و نظارت بر یادگیری دانش‌آموزان، مسؤولیت خطیری برعهده دارند.
۴. معلمان همواره به شیوه‌های کاربردی خود می‌اندیشند و به اطلاعاتی بر مبنای تجربه دست می‌یابند. به این ترتیب، بر قلمرو یادگیری خویش می‌افزایند.

سیستم‌های جدید ارزیابی، از اندیشه‌های نو و عکس‌العمل‌های بدیع حمایت می‌کنند و به طریقه‌های تدریس چند بعدی اهمیت می‌دهند. طرح‌های ارزشیابی جدید، شامل کار بستن

دانش‌آموز در امر آموزش و کاربرد ICT، این اضطراب را در برخی معلمان به‌وجود آورد که اقتدارشان در کلاس متزلزل شده است! آیا واقعاً استفاده از ICT این خطر را به‌وجود می‌آورد؟ و جای معلم را اشغال می‌کند؟!

در حقیقت، با رواج ICT در کلاس، نقش معلم در فرایند یادگیری حتی مهم‌تر می‌شود. آنچه می‌تواند و باید تغییر یابد، نوع نقشی است که معلم ایفا می‌کند. نقش دانش‌آموزان نیز متقابلاً توسعه می‌یابد و از آن‌جا که ICT می‌تواند درهای کلاس را به جهان خارج باز کند، جامعه هم می‌تواند نقش جدید در کلاس داشته باشد [فتاحیان، ۱۳۸۰].

دگرگونی مناسبات و ارزشیابی حرفه‌ای آموزش دهندگان

با تحول انسان و دانش، مناسبات انسانی دگرگون شده و رسیدن به تفاهم برای انسان و پیرامونش دشوارتر شده است. محیط انسان امروز مملو از اطلاعات و دانسته‌های جدید است. پایگاه‌های علمی، قدرت انحصاری خود را از دست می‌دهند. معلمان امروزه برای گرفتن توجه و وقت دانش‌آموزان، ناگزیر از رقابت‌اند و اغلب نسبت به

فعالیت و کنجکاوی تا سستی و کاهلی را در فراگیرنده بیافریند. در این طیف می‌توان انواع معلمان را نیز نشانه‌گذاری کرد. «تحقیقات نشان داده‌اند، با وجود روش‌های متعدد و متنوع در تدریس، تنها عده‌ی معدودی از معلمان حاضرند در روش‌های ارتباطی و تدریس خود تغییر ایجاد کنند» [پیشین]. متأسفانه این موضوع در فرهنگ ما که اصولاً در برابر هر تغییری مقاومت نشان می‌دهد، شدیدتر منعکس می‌شود.

تدریس، فعالیت پویایی است که در تغییر رفتار معلم و شاگرد معنی می‌شود. معلم کسی است که انگاره‌ی تغییرات مطلوب رفتار شاگردانش را در سر می‌پرورد. بنابراین، معلم اصل تغییر را نه تنها در دانش‌آموز، بلکه باید در خودش دنبال و درونی سازد. سرانجام این مفهوم درونی شده را بروز دهد و تجربه‌ی ذهنی خویش را در حرفه‌اش عینی سازد.

تغییرات ویژگی‌های معلمان به منظور دست‌یابی به پیشرفت تخصصی، مستلزم کاربرد ICT است. ICT با سرعت، فناوری‌ها را متحول می‌کند.

امروزه، شاید رویکرد محوریت

فراخوان همکاری با مدرسه

سوم اردیبهشت‌ماه، روز تجهیز کارگاه مدرسه‌ی شهید مصطفی خمینی

اولیای محترم!

با توجه به مشاغل گوناگونی که دارید، می‌توانید با تهیه‌ی یک وسیله‌ی کارگاهی، کارگاه مدرسه‌ی فرزند خود را مجهز کنید. با این کار، زمینه‌ی رشد کار عملی فرزندان خود را فراهم می‌کنید.

وسایل مورد نیاز

۱. کلیدهای دوپل، تک پل و تبدیل؛
۲. فازمتر، سیم‌چین، انبر دست، پیچ‌گوشی، چکش، اره‌ی چوب‌بر، اره‌ی آهن‌بر، قیچی آهن‌بر؛
۳. موتور الکتریکی سوخته؛
۴. رئوستا، آوومتر (مالتی متر)، برد برد (صفحه‌ی قطعات الکترونیک)؛
۵. هویه‌ی برقی؛
۶. رنده‌ی چوب (چوب‌ساب)؛
۷. مغار؛
۸. سوهان (آهن و چوب)؛
۹. وسایل باغبانی (بیلچه، شن‌کش و قیچی باغبانی).

روز تجهیز کارگاه مدرسه

هدف: تجهیز و تکمیل کارگاه مدرسه با کمک اولیا.

ضرورت: آشنایی دانش‌آموزان با ابزار و وسایل کارگاهی، یادگیری و استفاده از ابزار کارگاهی، تفهیم عملی محتوای درس حرفه‌وفن.

شرح اجرای طرح

طرح مذکور را در سال گذشته که مدیر آموزشگاه بودم، اجرا کردم. با این کار، مدرسه‌ای را که فقط چند وسیله‌ی کارگاهی داشت، صاحب کارگاهی تقریباً مجهز (براساس محتوای درس حرفه‌وفن دوره‌ی راهنمایی) کردم. از دبیر حرفه‌وفن مدرسه خواستم، فهرستی از وسایل و ابزارآلات مورد نیاز درس حرفه‌وفن را تهیه کند و در اختیار مدرسه قرار دهد. سپس در یکی از روزهای هفته‌ی مشاغل، با تمامی اولیای مدرسه در ارتباط با آن صحبت کردم و آن‌ها را در جریان اجرای طرح گذاشتم. از آن‌ها خواستم یک روز را روز تجهیز کارگاه مدرسه بنامیم و در آن روز، ابزارآلات و وسایلی را که در خانه اضافی دارند و قابل استفاده در کارگاه است، به مدرسه بدهند.

اولیا از این طرح استقبال کردند و من هم فهرست تهیه‌شده توسط دبیر حرفه‌وفن را برای اولیا فرستادم. اولیا وسایلی بسیاری به مدرسه هدیه کردند و حتی بعضی از وسایل گران‌قیمت را که در فهرست نیآورده بودیم نیز برای کارگاه خریداری کردند. با اجرای این طرح، توانستیم مدرسه‌ای را که کارگاه نداشت، صاحب کارگاهی مجهز کنیم.

لازم به یادآوری است، روز تجهیز کارگاه مدرسه را می‌توان با عنوان‌های گوناگون و در یکی از روزهای سال تحصیلی که بهترین آن می‌تواند در هفته‌ی مشاغل یا هفته‌ی پیوند باشد، انتخاب کرد.

ابزارهای جدید و تحلیل آموزشی نمونه‌هایی از درس، تکالیف و کار دانش‌آموزان می‌شود. از معلمان درخواست می‌شود، نحوه‌ی ارتباط میان آموزش و یادگیری دانش‌آموزان خود را بیان کنند و به اثبات وجود این رابطه بپردازند. آن‌ها باید شواهدی دال بر این‌که چگونه مهارت‌های حل مسئله و استدلال در سطح بالاتر را در فراگیران پرورش می‌دهند، مطرح کنند و توانمندی‌هایشان را به نمایش گذارند. کاربست دستورالعمل‌های فوق، فعالیت‌های معلم را به گونه‌ای انعکاس می‌دهد تا او از فعالیت‌های خود نیز یاد بگیرد. تغییر در جریان ارزشیابی معلمان، مسبب ایجاد تغییراتی در مسئولیت آنان می‌شود. یعنی افزایش خودمختاری، مسئولیت‌پذیری بیشتری را هم می‌طلبد [Weiss؛ 1998].

زیرنویس.....
* Alvin Tofler

منابع.....

1. Training courses in teaching and learning strategies For teachers in uk schools, (2001). www.etin.org.uk
۲. قاسمی، علی حسین (۱۳۸۱) - تحجر در فناوری اطلاعات. نشر چاپار، تهران.
3. Simplicio, Joseph S.C, (2000). Teaching classroom educators effective & creative teachers, Education, vol.120. Issue 4, p675, 6P
4. Ibid 4.
۵. فتاحیان، حسین (۱۳۸۰). نقش ICT در آموزش. مجله‌ی الکترونیکی، شماره‌ی اول، دوره‌ی چهارم.
6. Weiss, Eileen Mary and Weiss, Stephen Gary (1998) New directions in teacher evaluation. ERIC Digest. Clearing house on teaching & teacher education washington D.C.